Biannual Research Journal of
Iran Local Histories

پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران
سال چهارم- شماره دوم- پیاپی ۸ (صفحات ۱۲۰-۱۰۷)

تفنگچیان محلی و امنیت در منطقه مرزی دُرُح از ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۸ شمسی

نیره دلیر*، فداحسین خامس‌پناه
استادیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کارشناس ارشد
تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۲/۲۶) **تاریخ پذیرش: (۹۵/۰۵/۰۱)**

Local Gunmen and Security in the Border Area *DOROH* From 1912 up to 1959 AD

Nayyereh Dalir*, Fada-hossein Khames panah
Assistant professor at Humanities and Cultural Studies Research Center,
M.S. in History at Humanities and Cultural Studies Research Center

Received: (2016/05/15) **Accepted: (2016/07/22)**

چکیده

تشکیل نیروی ژاندارمری در سال ۱۲۹۱ش و توسعه آن در اقصی نقاط کشور، موجب استقرار امنیت در داخل کشور و به‌خصوص در مرزها شد اما به‌دلیل گستردگی نواحی، تا مدت‌ها از تفنگچیان محلی به عنوان نیروی کمکی در برقراری امنیت و مبارزه با عوامل سرقت و تجاوز استفاده می‌شده است. در پژوهش حاضر، عملکرد تفنگچیان محلی، در منطقه مرزی دُرُح که با توجه به قرار گرفتن در مسیر شاهراه هرات - فراه به سیستان از موقعیت مهمی برخوردار است، بررسی و تبیین شده است. این پژوهش با استناد به اسناد دولتی کدخدای منطقه دُرُح، به عنوان بررسی موردی، در پی پاسخ بدین پرسش است که تفنگچیان محلی چه نقشی در استقرار و تثبیت امنیت در مناطق دور افتاده از مرکز، در دوره معاصر داشتند؟ مدعای پژوهش از این قرار است که تفنگچیان به علت آشنایی با مقتضیات جغرافیایی و اقلیمی منطقه خود و پیوستگی محلی نقش مهمی در برقراری امنیت، به‌خصوص در نواحی مرزی داشته‌اند. دستاوردهای دیگر پژوهش نشان می‌دهد، به کارگیری تفنگچیان محلی برای دولت مرکزی مقرون به‌صرفه بوده، زیرا سازماندهی و کنترل آنها، به صورت داوطلبانه و افتخاری، بر عهده کدخدایان هر محل بوده است.

واژه‌های کلیدی: خراسان جنوبی، دُرُح، تفنگچیان محلی، امنیت، مرز هرات.

Abstract

Gendarmerie force formation in the year 1912 and its expansion throughout the country caused the security establishment in the country, particularly in the borders and frontiers, but the local gunmen were used as reinforcement for establishing the security and fighting the robbery and encroachment, due to the extensiveness of area. In the recent investigation, the local gunmen's performance in the border area of *Doroh* that gets a very important position with regard to its location on the way of Herat-Farah highway to Sistan has been studied and explained. This investigation, by virtue of the village chief's public documents of *Doroh* area as a case study tries to answer this question that what was the role of local gunmen in establishing and stabilizing the security in the remote areas which are far from the center in the modern era? Such investigation claims that, the gunmen, due to the familiarity with their own area's climatic and geographical requirements and local integration, has had a very significant role in establishing the security, especially in the border areas. Other achievements of this investigation showed that using the local gunmen was very useful for the federal government because organizing and controlling them had been undertaken by the village heads of each place voluntarily and honorary.

Keywords: Khorasan-e Jonoubi, Doroh, local gunmen, security, Herat border

* **نویسنده مسئول:** نیره دلیر

* dalirnh@yahoo.com
khamespanah@yahoo.com

مقدمه

برقراری امنیت داخلی و دفاع از مرزهای کشور، در اولویت نخست حاکمیت و دولت‌ها قرار دارد. در تاریخ معاصر ایران، در دوره‌ای طولانی، در کنار و همراه نیروهای رسمی نظامی، از نیروی تفنگچیان محلی نیز برای نیل به این منظور استفاده می‌شده است. تفنگچیان محلی به افراد بومی هر محل اطلاق می‌شد که پس از معرفی به نهادهای نظامی مسئول امنیت، صلاحیت آنها توسط آن نهاد مورد تأیید قرار گرفته و برای آنها پروانه حمل سلاح صادر و به آنها سلاح داده می‌شد. این افراد موظف بودند در صورت لزوم، در جهت حفظ امنیت و تعقیب اشرار، آماده کمک و همیاری با نظامیان باشند. تفنگچیان محلی، در حوادث تاریخ معاصر، از جمله در قیام‌های منطقه جنوب ایران، نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. این پژوهش تلاش دارد به نقش تفنگچیان در استقرار و تثبیت امنیت در مناطق دور افتاده و مرزی، به‌خصوص پس از تشکیل نیروی ژاندارمری بپردازد. به عنوان بررسی موردی، منطقه دُرُح که از نواحی هم‌مرز با افغانستان بوده و پیوستگی جغرافیای با هرات دارد، انتخاب شد و تلاش می‌شود بدین پرسش پاسخ داده شود که به‌رغم تشکیل نیروی ژاندارمری از سال ۱۲۹۱ و با توسعه و استقرار آن در سراسر کشور، استفاده از تفنگچیان محلی و حضور فعال آنها در کنار نیروهای رسمیِ دولتی چه نقشی در استقرار و تثبیت امنیت مناطق دور از مرکز داشته‌است؟ در پاسخ، با تکیه بر اسناد کدخدای منطقه دُرُح و لانو، یعنی نصرت‌علی خامس‌پناه، و تحقیقات میدانی این مدعا مطرح می‌شود که به‌رغم استقرار نیروی ژاندارمری و مرزبانی در مرزها، تفنگچیان محلی همچنان کارایی خود را در استقرار و تثبیت امنیت حفظ نموده و از این‌رو تا ۱۳۳۰ شمسی، به عنوان نیروی کارآمد امنیتی، در مناطق دور از مرکز و حساس مرزی به کار گرفته شده‌اند.

امنیت را دهخدا از ریشه [اَ نی یَ] (از ع، حامص) به معنی بی‌خوفی، بی‌بیمی، ایمنی و در امان بودن معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۱۹). همچنین در جای دیگر در تعریف این واژه بیان شده است که امنیت[1] به معنی رهایی افراد و جامعه از انواع تهدیدات مستقیم جسمی چون حملات خشونت‌آمیز، قتل و ... است (نصری، ۱۳۹۰: ۵۵). امنیت دربردارنده قرارهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و حفاظت از صلح و مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع و وجود اطمینان به سلامت تن و جان و مال و ناموس[2] (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۹؛ آشوری، ۱۳۶۶) است که مورد اخیر تعریفی ناظر بر مسئله این پژوهش است. با توجه به این معانی، برای تأمین امنیت که از سه زاویه امنیت داخلی، امنیت مرزی و استقرار و تثبیت امنیت می‌توان به آن نگریست، وجود سه رکن عامل حاکمیت قانون، وجود نهادهای انتظامی و ایجاد نظام قضایی صالح ضروری است (احمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۶).

وجه تسمیه و پیشینه تاریخی دُرُح

روستای مرزی دُرُح، از گذشته در مسیر شاهراه تجاری هرات – فراه به سیستان (که بعداً شهر بیرجند نیز به آنها اضافه گردید) قرار داشته است. به همین علت مطابق اقوال شفاهی بدان دُوراه می‌گفته‌اند که به مرور ایام به دُورّه و سپس به دُرُه تغییر یافته است (سند شماره ۱). درنهایت در سال ۱۳۲۴، طی نامه فرمانداری بیرجند، مقرر شد که از آن پس دُرُه بصورت امروزی دُرُح نوشته شود (همان). چنانچه با ضبط پیشین روستا، منابع را کاوش کنیم، متوجه می‌شویم نام آن در آثار سده‌های گذشته آمده و این امر نشان‌دهنده قدمت تاریخی این منطقه است. از جمله آنها *تاریخ سیستان* است که مؤلف درباره حمله قزل سارغ و هم‌دست او، بهارالدوله، به قلعه دُرُح [دره] می‌نویسد که تا زمان ملکشاه در آنجا ماندگار شده و پس از آن به سیستان آمدند (*تاریخ سیستان*، ۱۳۶۶: ۳۸۶). عطاملک جوینی نیز از دُرُح به‌عنوان یکی از مقرهای

1. Security

۲. امنیت در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت فردی حالتی است که در آن فرد، فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها، زندگی کند.

اسماعیلیان نام برده و اشاره می‌کند: «ملکشاه سلجوقی در اوایل سال ۴۸۵ق امیر قزل سارغ را جهت دفع ملاحده قهستان روانه کرد و لشکرهای حدود خراسان را ملزم به پیروی و پشتیبانی او نمود. قزل سارغ آن گروه را در حصار دُرُه محاصره کرده و مدت‌ها به جنگ با ایشان مشغول بود» (جوینی، ۱۳۸۷: ۴۴۳). مستوفی نیز از دُرُه و محصولات آن نام برده است (مستوفی، ۱۳۶۶: ۱۷۸). یاقوت حموی دُرُه را شهری مابین هرات و سیستان و آخرین اعمال هرات می‌نامد (حموی، ۱۹۹۰م: ۳۸۰). مؤلف *تاریخ بهارستان* نیز درباره دُرُه و موقعیت آن و همچنین وضعیت جغرافیایی آن اشاره می‌نماید که دُرُه از مضافات مؤمن‌آباد و آخر ولایت قهستان است که به افغانستان منتهی می‌شود (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۲).

این روستا در ۱۴۴ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند و ۷۸ کیلومتری شهرستان سربیشه قرار دارد. موقعیت سوق‌الجیشی این منطقه و عبور کاروان‌های تجاری و نظامی از دُرُح موجب شده که حفظ نظم و جلوگیری از آشوب و شرارت‌های متجاوزان و حفظ امنیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد، زیرا خراسان جنوبی همواره در معرض حملات ترکمن‌ها از شمال، افغان‌ها از شرق و بلوچ‌ها از جنوب بوده است. در زمان پهلوی اول، با استقرار نهادهای نظامی در شمال خراسان و سرکوب تجاوزات ترکمن‌ها مشکل‌آفرینی آنها به طور کامل از بین رفت. در بلوچستان نیز اقدامات نظامیان دولتی به طور قابل‌توجهی تجاوزات بلوچ‌ها را کاهش داد. در این شرایط، تنها منبع نگرانی و ناامنی باقی‌مانده در جنوب خراسان و از جمله دُرُح، از ناحیه افغان‌ها بود.

نصرت‌علی خامس‌پناه به مدت ۳۶ سال (۱۳۲۱–۱۳۵۷) کدخدای منطقه دُرُح و لانو بوده و تفنگچیان محلی، تحت‌نظر و ساماندهی وی به فعالیت می‌پرداختند. اسنادی که در این پژوهش استفاده شده، نشان‌دهنده بخشی از فعالیت‌ها و تلاش‌های این نیروها در مقابله با سارقان و متجاوزان است.

پیوستگی امنیت مرزی دُرُح با افغانستان و عوامل ناامنی آن

مرز منطقه دُرُح با افغانستان، از ده خوشاب در شمال تا گله‌چاه در جنوب، حدود هفتاد کیلومتر است (نقشه ۱). اکثر قسمت‌های این منطقه به صورت دشت‌های مسطح و بدون مانع طبیعی است. در بخشی از این مرز دشت ناامید قرار دارد که از گذشته تاکنون، کنترل این بخش از مرز در اختیار دولت افغانستان بوده و تأمین امنیت آن همواره با ضعف بسیار صورت گرفته است. مجموعه این دو عامل طبیعی و انسانی باعث می‌شده افغان‌ها به راحتی وارد ایران شده، اقدام به سرقت اموال و احشام نموده، سپس به راحتی اموال را به افغانستان منتقل کنند. داستان‌های بسیاری از پیرمردانی که در گذشته مورد حمله افغان‌ها قرار گرفته و یا اسیر شده و موفق به فرار شدند، در این منطقه سینه به سینه نقل شده است. از جمله افرادی که در این زمینه خاطراتی داشتند که خود در مقابله با این اشرار قرار گرفته اسیر یا زندانی شده و موفق به فرار شده‌اند، مرحوم کربلایی غلام کریمی، کربلایی علی‌حسن رمضانی و حاج احمد خوشکارزاده هستند. آنان حدود ۴۰ سال پیش، در مورد تهاجمات و حملات اشرار و ناامنی این منطقه، خاطرات خود را از سال‌های جوانی و در دهه‌های پایانی سده سیزدهم هجری، بیان کرده‌اند (کربلایی غلام کریمی؛ مصاحبه شخصی، سال ۱۳۵۵؛ مکان روستای ده توت از توابع لانو؛ کربلایی علی‌حسن رمضانی؛ مصاحبه شخصی، سال ۱۳۵۵، مکان روستای دُرُح؛ حاج احمد خوشکارزاده؛ مصاحبه شخصی، سال ۱۳۵۵، مکان روستای دُرُح).

با گذر از این دوران و با استقرار نهادهای نظامی، از جمله ژاندارمری، تاحد زیادی از این ناامنی‌ها کاسته شد. البته در ابتدای شروع به استقرار این نهادها، به علت قلت نیروهای نظامی، وسعت منطقه و عدم کنترل دولت افغانستان بر مرز، برای بهبود وضعیت امنیتی منطقه از تفنگچیان محلی نیز استفاده می‌شده است.

بحران‌های امنیتی جنوب خراسان

از اواخر دوره ناصرالدین‌شاه، به‌خصوص پس از معاهده ۱۸۵۷ پاریس که هرات از ایران جدا شد، جنوب خراسان و دُرُح به منطقه بین مرزی بین ایران و افغانستان تبدیل و آسیب‌پذیری خراسان در مقابل هجوم ترکمانان بیشتر شد. مهم‌ترین علت این واقعه در آن بود که مسیر عمومی

هجوم آنها از مرو، از طریق هرات بوده و ترکمانان همواره از آن راه به خراسان یورش برده و طبس و قاین و تربت و جنوب خراسان را ویران کرده بودند. اگر روابط فیمابین دولت هرات و ایران دوستانه بود، ایران می‌توانست از حملات ترکمانان جلوگیری کند، زیرا دولت هرات خبر حمله ترکمانان را از غوریان و کوهستان به پاسگاه‌های مرزی ایران اطلاع می‌دادند و دهقانان فرصت می‌کردند از خودشان دفاع کنند. به همین دلیل ایران سعی می‌کرد رابطه دوستانه‌ای با هرات برقرار و آن را حفظ نماید. بر خلاف تصور انگلیسی‌ها، ایران در واقع در فکر فتح هرات نبود (اتحادیه، ۱۳۸۰: ۱۹۳)، بلکه بیش از همه در فکر حفظ امنیت نواحی مرزی خود بود که همواره از آن سو مورد تعرض واقع می‌شد و راهزنان بارها به ایران وارد شده، پس از سرقت اموال و احشام مردم، به راحتی به آن سوی مرز فرار می‌کردند. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه وضعیت امنیتی کشور بدتر شد. با وقوع انقلاب مشروطه و حوادث پس از آن، درگیری‌های داخلی و گرفتاری دولت به حدی رسید که کمتر می‌توانست امنیت را در نقاط مختلف کشور برقرار کند. آنچه مسلم است، گویا در اواخر قاجار به علت فقدان بودجه و وضعیت آشفته کشور، حفظ امنیت راه‌ها همچنان در اختیار افراد صاحب نفوذ محلی بوده است (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۸۸، ۹۰-۹۲ و بشیری، ۱۳۶۲: ۶۰، ۸۵-۹۲). در سرتاسر کشور راه‌زنی و چپاول افزایش یافت و در نقاط مرزی وضع بدتر بود. علاوه بر ناامنی‌های داخلی، تجاوزات مرزی خسارات بیشتری را به مردم وارد می‌کرد. کنسول انگلستان در قائنات و سیستان در گزارش محرمانه (۱۳آذرماه ۱۲۸۸ش) می‌نویسد که منطقه مرزی قائنات – افغانستان ناآرام است و چندین هزار راه‌زنی و تعدی را اخیرا از دُرُح و سایر نواحی گزارش کرده‌اند (فاضل، ۱۳۹۴: ۲۲۵). همچنین وی در گزارش (۲۶ فروردین ۱۲۸۹ش) درباره اوضاع قائنات می‌نویسد که: سرقت‌های متعدد شتر و دیگر موارد از مرز غربی و سایر نقاط گزارش شده است. گویا سارقان بلوچ‌های بیابان‌گردند. از شوکت‌الملک [حاکم وقت قائنات] و حشمت‌الملک [حاکم وقت سیستان] درخواست کرده‌ام که برای حفاظت از کاروان‌های حامل کالا از هند اقدامات لازم را به عمل آورند. (همان، ۲۸۴). گزارش (۱۹ خرداد ۱۲۹۰ش) کنسول انگلستان درباره وضع قائنات چنین است: خبر رسیده حاکی از آن است که یک گروه بلوچ، حدود ۳۰۰ نفر، روستای بصیران در ۶۰ میلی غرب نِه [روستایی در جنوب بیرجند] را غارت کرده‌اند، سپس از نِه در جهت شرق به سوی دُرُح رفته‌اند. چون در این مسیر با جاده اصلی سیستان – مشهد برخورد خواهند کرد، توجه حاکم را به مسیر حرکتشان جلب کرده و درخواست کرده‌ام که اقدامات لازم برای حفاظت از جان و مال خارجی‌ها را در جاده مزبور انجام دهد. شایع است دو گروه دیگر (یک گروه ۳۰۰ نفری و یک گروه ۱۰۰ نفری) قائنات را غارت کرده‌اند در واقع بلوچ‌ها، قائنات را شکارگاه خوبی یافته‌اند. در قائنات کسی مزاحم آنها نیست، تنها زحمتشان صرف وقت برای آمدن و بردن موجودی شتر، گوسفند و ... است. در منطقه جنوب خراسان دیگر چیزی باقی نمانده که غارتگران احتمالاً توجهشان را معطوف نواحی دورتر خواهند کرد و انتظار می‌رود که عملیاتشان را به مناطق درونی قاینات بکشانند (همان، ۵۱۵). در گزارش مورخه (۷ بهمن ۱۲۹۵) آمده است که راهزنان افغان که از دُرُح گوسفندهایی دزدیده بودند، از دشت بَکوهَ در شرق فراه آمده بودند و مال‌های مسروقه تا به حال هنوز مسترد نشده است (فاضل، ۱۳۹۲: ۴۶).

نویسنده کتاب *امیر شوکت‌الملک* در زمینه وضعیت قائنات می‌نویسد: موضوع دیگری که موجب ناراحتی حکمران جوان [مقصود شوکت‌الملک علم] و بلکه همه اهالی قائنات می‌بود، شرارت بلوچ‌های سرحدی و تهاجمات آنها به حوزه قائنات بود. منظور از بلوچ‌های سرحدی گروهی از عشایر و طوایف بلوچ بودند که در ناحیه خاش و اطراف زاهدان فعلی سکونت داشتند. این گروه به حکم طبیعت بدوی خود، هر چند وقت یکی از نواحی قائنات، مخصوصاً قسمت‌هایی که در حاشیه کویر قرار گرفته بودند را مورد دستبرد و قتل و غارت قرار می‌دادند. تشکیلات قشونی آن زمان قائنات، تحت عنوان فوج جدید و قدیم قائنات، چه از لحاظ اسلحه و چه از نظر تعداد، برای دفع و رفع مزاحمت آنها کافی نبود. برای امیر جوان روشن ضمیر که طبیعت و هدفش تأمین رفاه و آسایش اهالی قائنات بود، این بی‌نظمی و آشفتگی و به‌خصوص قتل و سرقت‌ها، بسیار آزاردهنده و نامطلوب بود (منصف، ۱۳۵۵: ۴۵).

راه‌کارهای تأمین امنیت در مناطق مرزی

– راه‌کارهای حکومتی تأمین امنیت در مناطق مرزی

با روی کار آمدن رضاشاه و ایجاد نیروهای مسلح متمرکز و تقویت ارگان‌های نظامی، از جمله ژاندارمری، به مرور امنیت نسبی در مرزها و داخل کشور برقرار گردید. با حمله متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاشاه و از هم پاشیده شدن نهادهای نظامی، باردیگر ناامنی سراسر کشور را فراگرفت. در این دوره، مردم در مناطق مختلف سراسر کشور در معرض چپاول قرار گرفتند. همچنان‌که پیشتر شرح داده شد، در نواحی مرزی علاوه بر ناامنی داخلی، تجاوزات بیگانه و قتل و سرقت صدمات بسیاری بر مردم وارد کرد (نک: فاضل، ۱۳۹۲: ۴۶؛ منصف، ۱۳۵۵: ۴۵). به منظور برقراری امنیت و آرامش دوباره، تجدید قوای ژاندارمری و توسعه آن مجدداً در دستور کار دولت قرار گرفت. باتوجه به اینکه وظیفه ژاندارمری تأمین امنیت داخلی است، برای حفظ امنیت مرزها یگان‌های مرزبانی تأسیس شد؛ از جمله در دُرُح یک گروهان مرزبانی استقرار یافت (سند شماره ۱۱) که وظیفه حفاظت از مرزها و جلوگیری از تجاوزات بیگانگان در منطقه دُرُح را عهده‌دار بود. سال‌های دهه چهل، برای مدت کوتاهی یگانی به نام گارد مرزی هم در دُرُح مشغول فعالیت بود که بعداً برچیده شد. امکانات این واحدها در حد تفنگ و مسلسل بود و برای ترابری آنها از اتومبیل و شتر استفاده می‌کردند (تاریخ شفاهی– ستوان کشاورز). البته برای ایجاد آرامش و جلوگیری از تجاوزات و چپاول‌های داخلی و خارجی، باردیگر استفاده از نیروهای محلی مورد توجه قرار گرفت و با تجهیز آنها به سلاح و امکانات لازم، همراه نیروهای نظامی حاضر در منطقه مسئول دفاع از محل شدند.

راه‌کارهای مردمی برای دفاع در مقابل ناامنی‌ها

چنانچه اشاره رفت، با توجه به موقعیت جغرافیایی دُرُح و نزدیکی به مرزها، همواره امکان حمله و تجاوز از داخل و فراسوی مرزها وجود داشت؛ از این‌رو، برای مقابله با تهاجمات و حفظ مناطق و از جمله منطقه دُرُح، اکثریت روستاها دارای قلعه و استحکامات دفاعی بودند. علاوه بر آنکه از عوامل طبیعی نیز برای حفاظت بیشترین بهره برده شده و این روستا در دامنه بلندترین کوه مجاور ساخته شده است (تصویر ۲). در ساخت و معماری روستا نیز عامل حفاظت فیزیکی بسیار مورد توجه و رعایت بوده، کوچه‌ها دارای سقف و به صورت دالان‌هایی رو به بالا، به سوی قلعه ختم می‌شده است. نمونه‌ای از این دالان‌ها در تصاویر ضمیمه مشاهده می‌شود (تصویر ۳). اهالی در مواقع بروز خطر، دروازه‌ها را می‌بستند و از فراز قلعه به مقابله با مهاجمان می‌پرداختند. آنان حتی در میان کشتزارها برج‌های دیده‌بانی ساخته بودند که از فراز آنها پیرامون را تحت نظر داشتند و به محض حمله متجاوزان، سریعاً به قلعه پناه می‌بردند.

راهکار دیگر، آمادگی مردم و تفنگچیان محلی و دفاع مؤثر آنان در مقابل حملات و تجاوزات است، زیرا اکثریت مردم در این مناطق مسلح بودند. در مواقعی که نیروهای مهاجم زیاد بوده و قدرت‌های محلی قادر به دفع تجاوز نبودند، حکمرانان با گردآوری نیروهای کل منطقه به دفاع می‌پرداختند. کنسول انگلستان در سیستان و قائنات، در گزارش دی – بهمن ۱۲۸۸ش می‌نویسد که: شوکت‌الملک به من گفت امیدوار است دولت ایران توپ‌های کوهستانی و سلاح‌هایی را که درخواست کرده است، در اختیارش بگذارد. وی برآورد می‌کرد که می‌تواند ۲۰۰۰ مرد را گردآوری کند. از این قرار ۱. بلوچ‌ها: ۳۰۰ نفر یا بیشتر (چادرنشینی)، ۲. دُرُحی‌ها: ۱۵۰ نفر، ۳. سربازها: ۵۰۰ نفر، ۴. سواران: ۴۵۰ نفر (با ملتزمان رکاب)، ۵. نخعی‌ها: ۴۰۰ نفر (چادرنشین)، ۶. از نِه: ۲۰۰ نفر (رفیعی، ۱۳۹۴: ۲۵۳). بنابه نوشته مؤلف *امیر شوکت‌الملک علم*، امیر با احراز مقام حکومت قائنات و سیستان، تصمیم همیشگی خود، مبنی بر موافقت دولت با تشکیل قشونی با نظم و اسلحه جدید را عملی کرده و از دولت خواست که چند افسر مجرب تحصیل کرده را برای تربیت و تجهیز قشون جدید مأمور قائنات نماید. سرانجام افسران مورد نظر به امر و دستور دولت و اصرار و تشویق خود امیر به شرح زیر انتخاب شدند:

۱. سرتیپ علی اکبرخان، افسر توپخانه
۲. یاور اشرف نظام، افسر پیاده
۳. کلنل علی‌نقی‌خان وزیری، افسر سواره و جمازه سوار (منصف، ۱۳۵۵: ۵۳)

چگونگی به کارگیری نیروهای محلی

نیروهای محلی هر منطقه تحت نظارت کدخدای آن منطقه قرار داشتند. کدخدایان هر منطقه متناسب با وسعت محل، میزان تهدیدات و ناامنی و نیاز نیروهای نظامی رسمی و توان محل، تعدادی تفنگ همراه با مقدار لازم گلوله را تحویل می‌گرفتند. کدخدای منطقه، با ضمانت شخصی خود، افراد مورد اطمینان و کارآمد محلی را به فرماندهی لشگر معرفی می‌کرد. در صورت موافقت فرماندهی لشگر، پروانه نگهداری و حمل سلاح به نام فرد صادر شده و یک قبضه اسلحه همراه با مقداری فشنگ و یک رشته قطار فشنگ از طرف نهاد نظامی لشگر به او داده می‌شد. تأمین اسلحه و مهمات مورد نیاز تفنگچیان بر عهده لشگر بود که کنترل دقیقی بر نحوه استفاده از اسلحه اعمال می‌کرد (سند شماره ۲). افراد تفنگچی باید همواره آماده می‌بودند تا در صورتی که کدخدا یا نهاد نظامی محل آنها را احضار کرد، بلافاصله با آمادگی کامل حاضر به خدمت باشند (سند شماره ۶). ضمناً اگر حادثه غیرمترقبه‌ای در محل اتفاق می‌افتاد که لزوم دخالت و دفاع آنها را ایجاب می‌کرد، راساً اقدام می‌نمودند.

نظارت بر عملکرد تفنگچیان محلی

همان‌طوری که قبلاً گفته شد، برای به‌کارگیری تفنگچیان محلی در ابتدا کدخدای محل آنها را گزینش کرده و به مقامات نظامی معرفی می‌کرد. سپس نهاد لشگر سابقه و توانایی آنها را بررسی و برای آنها پروانه حمل سلاح صادر می‌کرد. بنابراین هم از طرف کدخدای محل بر کار آنها نظارت می‌شد و هم از طرف نهاد نظامی مستقر در محل تحت نظر بودند. درصورتی‌که فرد تفنگچی معتاد به مواد مخدر می‌شد، یا از حدود وظایف قانونی خود تخطی می‌کرد، پروانه نامبرده باطل، اسلحه و مهمات از او گرفته شده و به فرد واجد صلاحیت دیگری تحویل می‌گردید (سند شماره ۳). این سند نشان می‌دهد چگونه دو تفنگچی مظنون به اعتیاد به مواد افیونی، با این استدلال که در موقع وقوع پیشامدی نمی‌توان از وجود آنها استفاده کرد، از خدمت در گروه تفنگچیان کنار گذاشته شده‌اند. این نظارت‌ها باعث می‌شد که نگرانی از جانب نوع عملکرد تفنگچیان محلی و استفاده خودسرانه آنها از تسلیحاتشان متوجه مردم منطقه و دولت نباشد.

فعالیت تفنگچیان محلی دُرُح

تفنگچیان محلی دُرُح در برقراری امنیت و آرامش در منطقه تحت حفاظت خود همواره تلاش داشتند وظایفشان را به خوبی انجام دهند. در صورت موفقیت آنان در انجام مأموریت‌های محوله، بعضاً دولت اقدام به تشویق آنها از طریق پرداخت جایزه نقدی می‌کرده است. سند شماره ۴ تشویق تفنگچیان را به دلیل انجام موفق و مثبت در مأموریتشان؛ و نیز دقت مقامات ژاندارمری و درخواست ارسال گزارش صحیح استفاده از تفنگ توسط آنان را نشان می‌دهد: «گزارش شماره ۱۱ که حاکی از تعقیب سارقین و استرداد اموال مسروقه بود، واصل شد. از اینکه اموال مسروقه را از سارقین گرفته‌اید مایه مسرت ولی انتظار داشته فعالیت بیشتری به خرج داده و خود آنها را دستگیر می نمودید که برای آتیه از وقوع این‌گونه پیشامدها جلوگیری به عمل آید. فعلاً لازم می‌دانم از زحمات شما قدردانی و نیز به موقع می‌دانم مراتب رضایت اینجانب را به سه تفنگچی که استفاده به موقع از اسلحه دولتی نموده و در تعقیب سارقین جدیت نموده‌اند، ابلاغ و برای تشویق نامبردگان مبلغ ششصدریال فرستاده می‌شود که به هر کدام از سه نفری که نامبرده نموده‌اید، مبلغ دویست ریال، به رسم انعام تسلیم نمائید. راجع به فشنگی که تیراندازی نموده‌اید، از لشکر درخواست شد که ارسال دارند. هر موقع رسید فرستاده خواهد شد. در آتیه مواظب خواهید بود که صورت کسر فشنگ را در سه نسخه ارسال دارید» (سند شماره ۴). این سند نمایانگر موفقیت تفنگچیان در استرداد اموال سرقت‌شده توسط سارقان در سال ۱۳۲۵ش است. از سوی دیگر نیز باید توجه داشت تفنگچیان اجازه استفاده از سلاح داده‌شده خارج از چارچوب‌های تعیین شده را نداشتند که نمونه‌ای از آن گزارش فشنگ‌های مصرف شده توسط آنان است (همان؛ همچنین نک: سند شماره ۵؛ سند شماره ۸ و سند شماره ۹). این میزان دقت در درخواست گزارش فشنگ مصرفی نشان از حساسیت در به کارگیری اسلحه تفنگچیان بوده است. حتی در مواردی که آنان به تعقیب اشرار و سارقان رفته‌اند و فشنگ مصرف نموده‌اند، ملزم به گزارش دقیق فشنگ‌های مصرفی

بوده‌اند (سند شماره ۴). این امر آنان را ملزم به رعایت وظایف محوله و پاسخگویی درباره نحوه استفاده از سلاح می‌نماید و از به کارگیری خودسرانه اسلحه توسط آنان جلوگیری می‌نماید. نظم و مسئولیت‌پذیری تفنگچیان محلی و دقت در انتخاب و پیگیری رفتار اخلاقی آنان در حدی بود که تقریباً گزارشی مبنی بر سوء استفاده ایشان از سلاح خود در این منطقه ارائه نشده است. تنها یک گزارش وجود دارد که نشان از حساسیت به رفتار و نحوه استفاده از اسلحه توسط آنان می‌باشد که به دلیل اعتیاد به مواد مخدر، صلاحیت اخلاقی دو نفر از آنان تایید نشده و در نتیجه دستور خلع سلاح آنان صادر شده است (سند شماره ۳). این موضوع نشان‌دهنده آگاهی عمومی آنان به وظایف محوله است.

از جمله موارد دیگر، مسئولیت مهمی است که کدخدایان هر محل به عنوان فرماندهان تفنگچیان محلی، در قبال امنیت منطقه خود برعهده داشته‌اند: «به طوری‌که قبلاً تذکر داده شده، اسلحه که از طرف دولت به ضمانت... داده شده برای تأمین امنیت حوزه [ناخوانا] و حفاظت اموال مردم است که اگر خدای نکرده پیشامدی اتفاق افتاد، با داشتن اسلحه و کمک مأمورین ژاندارمری بتوان از موضع تعقیب، و اشرار و سارقین را سرکوب نمود. برای آخرین دفعه تذکر داده می شود که اگر [...] پیشامد سوئی از قبیل تاخت و تاز اشرار یا چپاول اموال مردم، به وسیله سارقین محلی یا خارجی [خط خوردگی] پیش امد، کلیه تفنگچیان موظفند بدون فوت وقت، با کمک مأمورین ژاندارمری از موضع تعقیب و تا آخرین حد ممکن دفاع لازم را بنمائید. چنانچه شنیده شد که در موقع وقوع این‌گونه پیش‌آمدها فتور و سستی از اسلحه‌چیان مشاهده شد، علاوه بر اینکه شما مسئول ... و مورد بازخواست واقع خواهید شد، اسلحه مربوطه از کسی که سرپیچی نموده، گرفته و به دیگری که صلاحیت داشته باشد، داده خواهد شد» (سند شماره ۵). این امر نشان‌دهنده تأمین امنیت حوزه و حفاظت از اموال مردم و مبارزه و تعقیب اشرار و سارقین و مسئولیت مستقیم کدخدایان هر محل است که باید پاسخگوی دولت و همچنین مردم محل می‌بودند و در صورت قصور یا سستی در انجام وظایف محوله، مورد بازخواست قرار می‌گرفته‌اند. با توجه به اهمیت و نقش تفنگچیان محلی، این نیروها همواره باید آماده دفاع و اعزام به مأموریت محوله و همکاری با نهادهای نظامی باشند. نمونه‌ای از تأکید نماینده نظامی منطقه به منظور آمادگی فوری تفنگچیان، جهت مقابله با هرگونه پیش‌آمد احتمالی و الزام همکاری آنان با مأمورین دولتی در آن زمان خاص ارائه شده است: «بایستی تفنگچیان محل، بدون هیچ عذری، از نقطه نظر پیش‌بینی با مأمورین این واحد همکاری نمایند ... از تاریخ ۲۸/۸/۱۳ به هر وسیله تفنگچیان احضار شوند ... چون شما سرپرست آنها هستید، لازم است کلیه را ... جمع آوری و به دفتر گروهان حاضر نمایید...» (سند شماره ۶). همچنین فعالیت مؤثر فرماندهان تفنگچیان محلی در کنار نیروهای انتظامی مرزی در امور نگهبانی از مرزها وجود داشته است (سند شماره ۷). نحوه عمل تفنگچیان محلی در مصادمه‌های انجام شده با متجاوزین نیز، دائماً گزارش می‌شده است (سند شماره ۸). این سند نشان‌دهنده همکاری تفنگچیان محلی با مأمورین دولتی چاه سگک در درگیری با دو نفر سارق مسلح و دستگیری آنان در سال ۱۳۲۶ است (همان).

در مجموع، پس از یک دوره ناامنی و تجاوزات مکرر از نواحی مرزی، امنیت و آرامش نسبی در این منطقه نشان از کارنامه موفق تفنگچیان محلی دارد. تفنگچیان در بازه زمانی فعالیتشان توانسته‌اند نتایج قابل قبولی از خود به نمایش گزارده و تقریباً نیازهای امنیتی مورد انتظار در منطقه درح و لانو را برآورده سازند. البته بنا به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد شد، ادامه فعالیت آنان با این سبک، از نظر مقامات ژاندارمری دیگر مورد نیاز نبوده و در نتیجه تصمیم به خلع سلاح آنان گرفته شد.

خلع سلاح تفنگچیان محلی

از سال ۱۳۳۰ش. با گسترش کمّی و کیفی نهادهای نظامی شامل ارتش، ژاندارمری و شهربانی و استقرار امنیت کافی توسط آنها، دیگر ضرورتی برای استفاده از نیروی تفنگچیان محلی نبود. شایان ذکر است که تعداد زیادی (در یک مرحله حدود ۲۰ نفر) از افراد محلی به عنوان ژاندارم استخدام شده بودند و تفنگچیان محلی کسانی بودند که حاضر به استخدام رسمی نبوده و فقط آماده همکاری نظامی، تحت کنترل کدخدای محل بودند.

بنابراین از آنجا که این تفنگچیان مایل به خدمت رسمی تحت ریاست ژاندارمری نبودند، از خدمت معاف می‌گردیدند. در نتیجه، تجهیزات این نیروها جمع‌آوری گردیده و به خدمت آنها پایان داده شد که اطلاع‌رسانی این امر برعهده کدخدای منطقه بوده است (سند شماره ۹). در مورد خلع سلاح تفنگچیان نیز کدخدای هر محل، به عنوان مسئول اصلی هماهنگی این نیروها، نقش مؤثری داشته است. رسید تحویلی از سوی گروهان مرزی به کدخدای محل (سند شماره ۱۰) مشخص می‌کند تمامی ادوات نظامی تحویلی به تفنگچیان از سوی کدخدای مذکور تحویل داده شده است. شایان توجه است امرار معاش تفنگچیان که پیش‌تر و در طول خدمتشان نیز از طریق مشاغل مرسوم در روستا تأمین می‌شده است، با خلع سلاحشان مجددا همان مشاغل را ادامه دادند. درواقع برای آنان شغل تفنگچی افتخاری بوده، اما در صورت انجام خدمات شایان توجه بدانان جوایز نقدی پرداخت می‌شده است مانند مورد دستگیری سارقان منطقه دُرُح که توسط اسدالله علم به آنان مبلغ ۶۰۰ ریال جایزه پرداخت شده است (سند شماره ۴).

بحث و نتیجه‌گیری

با تشکیل نهادهای نظامی متمرکز مانند ژاندارمری و مرزبانی و با تشکیل گارد مرزی، دفاع از مرزها و حفظ امنیت کشور توسط آنها انجام می‌گرفت، اما پیش از تشکیل این نهادها و حتی پس از آن در مواقع لزوم تفنگچیان محلی به صورت پشتیبان موثر و قدرتمندی در خدمت این نهادها جهت برقراری امنیت و مبارزه با سارقان و متجاوزین به کشور و مردم قرار گرفتند. برای مقابله موثرتر با متجاوزین که با روش‌های جدید و فرستادن عوامل نفوذی صدمات قابل ملاحظه‌ای متوجه مردم، بخصوص در برخی از نواحی مرزی می‌نمودند، در هر محل و منطقه با آموزش مردم و ایجاد آمادگی دفاعی در آنها، افرادی که توان و استعداد لازم برای مقابله با خطرات احتمالی را داشتند شناسایی و با آموزش‌های لازم و تجهیز آنها به سلاح و وسایل دیگر، در مواقع لازم از توانائی آنها به نفع امنیت و دفع خطرات و تجاوزات بهره گرفته شده است. پس از واقعه شهریور ۱۳۲۰ش و اشغال ایران توسط دولت‌های بیگانه که موجب فروپاشی نهادهای نظامی از جمله ژاندارمری شد، دوباره اغتشاش و ناامنی سراسر کشور را فرا گرفت. در ادامه با بازسازی نهادهای نظامی و گسترش دامنه فعالیت آنها، به مرور از وسعت ناامنی‌ها کاسته شد. در همین دوران است که مجدداً گستردگی کشور و کمبود نیروهای مورد نیاز برای نهادهای نظامی موجب گردید استفاده از تفنگچیان محلی برای مقابله با آشوب‌ها، شرارت‌ها و سرقت‌ها در دستور کار قرار گیرد. از سوی دیگر، می‌توان گفت تفنگچیان محلی به علت بومی بودن در منطقه خود کاملاً به محیط جغرافیایی، اوضاع محلی و ویژگی‌های اقلیمی و انسانی منطقه مسلط بوده و گزینه بسیار مناسبی برای انجام چنین مقابله‌هایی بوده‌اند. از منظری دیگر می‌توان گفت این افراد در حقیقت از خانه و محل زندگی خود دفاع و مراقبت می‌کردند که در نتیجه از انگیزه و قابلیت بالایی در مقابله با عوامل ناامنی برخوردار می‌شدند. ویژگی دیگر این افراد در آن بود که همواره در دسترس بوده و در هر لحظه از آمادگی فوری برای انجام هرگونه عملیات برخوردار بوده‌اند. همچنین، به کارگیری آنها در وقایع و پیش‌آمدها، مستلزم صرف هزینه برای دولت نبوده و حتی مسئولیت و سازماندهی آنها نیز برعهده کدخدایان هر محل بوده که خود این موضوع باعث به کارگیری آسان‌تر آنها می‌گردیده است. این افراد بومی و محلی بوده و با اشرافی که به منطقه خود داشتند، می‌توانستند هرگونه تحرکات اشرار و متجاوزین را رصد کرده و به هنگام، نهادهای مسئول را باخبر سازند و در مواقع خطر و مبارزه کمک و همکار توانمندی برای نیروهای نظامی کشور باشند. البته با تثبیت امنیت و افزایش حضور و کارایی نهادهای نظامی و انتظامی رسمی، کارکرد تفنگچیان محلی به تدریج کم شد تا جایی که به خلع سلاح آنان انجامید و به کار آنان خاتمه داده شد. تجربه تاریخی این امر نشان می‌دهد حضور آنان در مواقع ناامنی مرزی و پیچیدگی اوضاع می‌تواند کمک مؤثر و شایانی در کنار نهادهای رسمی و موظف برای تأمین امنیت مرزها باشد که می‌تواند تحت نام دیگر و فرماندهی مؤثر دیگری، با توجه به شرایط و الزامات کنونی، صورت پذیرد.

اسناد

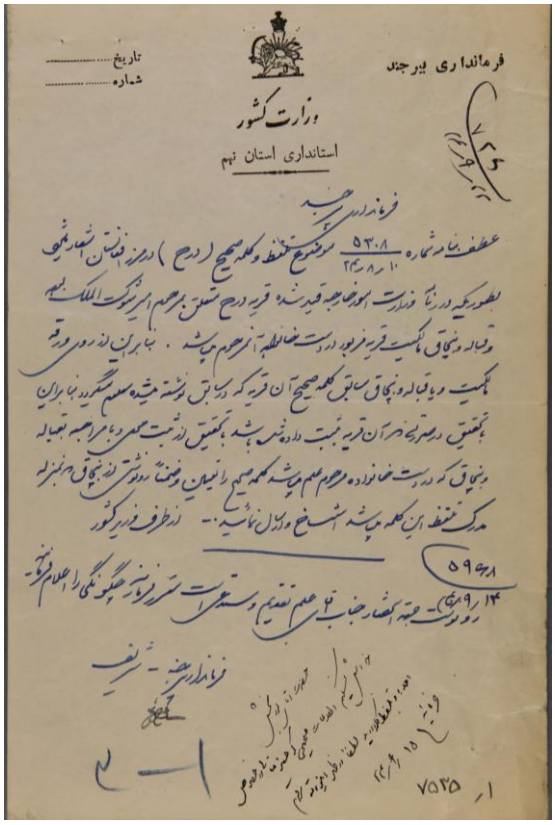
فرمانداری بیرجند
وزارت کشور
استانداری استان نهم
تاریخ .....
شماره .....

سند شماره ۱. نامگذاری درح به نام کنونی

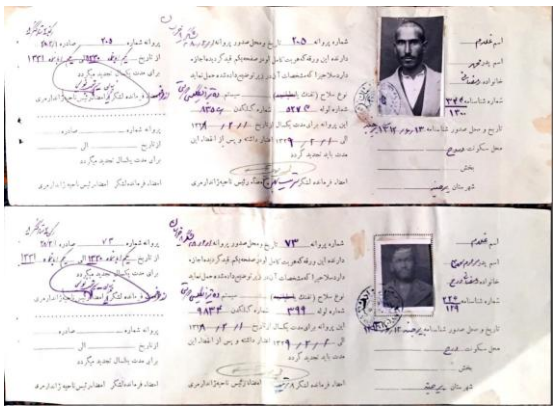

سند شماره ۲. نمایی از پشت و روی سند مجوز حمل سلاح توسط دو تفنگچی محلی

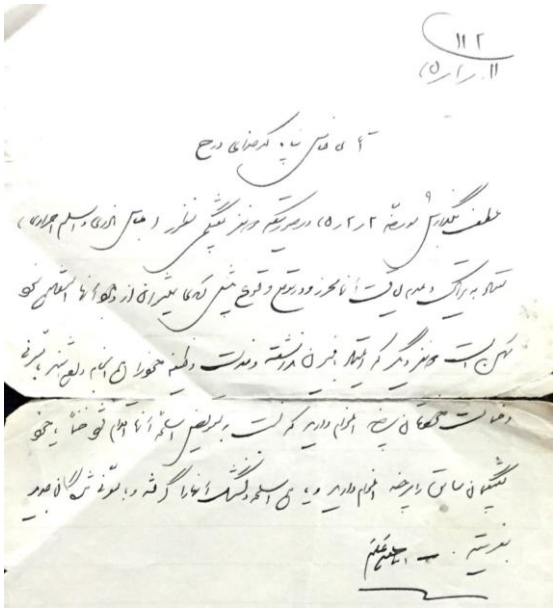

سند شماره ۳. سند اعلام عدم صلاحیت به کارگیری دو تن از تفنگچیان

۱۱۲

۲۵/۲/۱۱

آقای خامس پناه، کدخدای درح

عطف به گزارش مورخه ۲۵|۲|۲، در صورتی‌که دو نفر تفنگچی (عباس نادری و اسلم احراری) معتاد به تریاک و عدم لیاقت آنها محرز و در موقع وقوع پیش‌آمدی نمی‌توان از وجود آنها استفاده نمود ممکن است دونفر دیگر که اعتیاد به افیون نداشته و خدمت وظیفه خود را هم انجام داده باشند. با معرفی و ضمانت خودتان بیرجند اعزام دارید که نسبت به تعویض اسلحه آنها اقدام شود ضمنا یا خود تفنگچیان سابق را بیرجند اعزام دارید و یا هم اسلحه و فشنگ آنها را گرفته و با معرفی شدگان جدید بفرستید.

اسداله علم

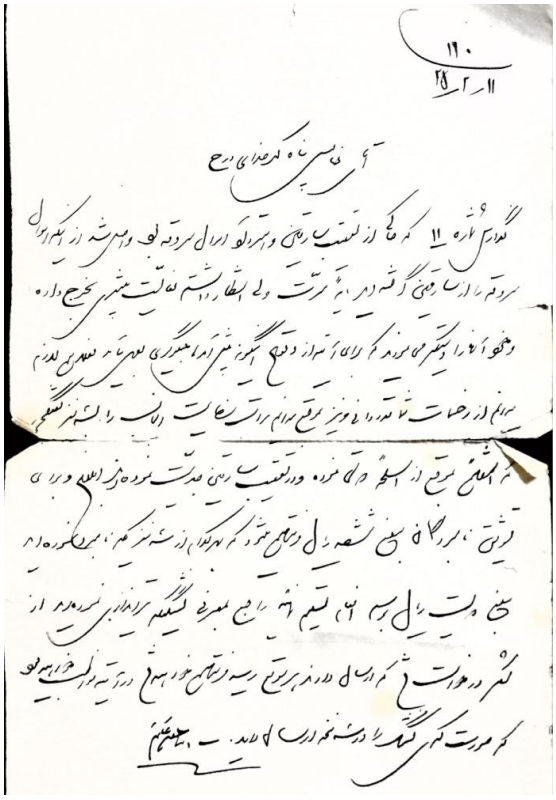

سند شماره ٤. نامه سپاسگزاری اسدالله علم به نصرت‌علی خامس‌پناه در رابطه با بازپس‌گیری و استرداد اموال مسروقه توسط تفنگچیان شخصی

۱۲۰

۲۵/۲/۱۱

آقای خامس پناه، کدخدای درح

گزارش شماره ۱۱ که حاکی از تعقیب سارقین و استرداد اموال مسروقه بود واصل شد از اینکه اموال مسروقه را از سارقین گرفته‌اید، مایه مسرت؛ ولی انتظار داشته فعالیت بیشتری به خرج داده و خود آنها را دستگیر می‌نمودید که برای آتیه از وقوع این‌گونه پیش‌آمدها جلوگیری به عمل آید. فعلا لازم می‌دانم از زحمات شما قدردانی و نیز به موقع می‌دانم مراتب رضایت اینجانب را به سه تفنگچی که استفاده به موقع از اسلحه دولتی نموده و در تعقیب سارقین جدیت نموده اند ابلاغ و برای تشویق نامبردگان مبلغ ششصد ریال فرستاده می شود که بهر کدام از سه نفر یکه نامبرده نموده‌اید مبلغ دویست ریال برسم انعام تسلیم نمائید. راجع به فشنگی که تیراندازی نموده اید از لشکر در خواست شد که ارسال دارند هر موقع رسید فرستاده خواهد شد در آتیه مواظب خواهید بود که صورت کسر فشنگ را در سه نسخه ارسال دارید.

اسداله علم

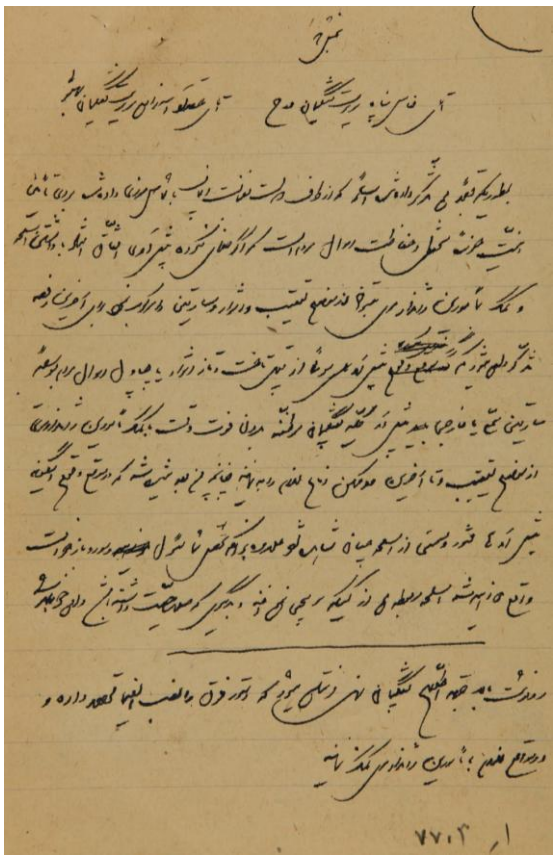

سند شماره ٥: سند مربوط فرماندهی تفنگچیان توسط کدخدای هر محل

آقای خامس پناه سرپرست تفنگچیان درح

آقای حقداداسدزاده سرپرست تفنگچیان بهلولی

به طوری‌که قبلا تذکر داده شده اسلحه که از طرف دولت به ضمانت [ناخوانا] داده شده برای تأمین امنیت حوزه [ناخوانا] و حفاظت اموال مردم است که اگر خدای نکرده پیش آمدی اتفاق افتاد با داشتن اسلحه و کمک مأمورین ژاندارمری بتوان از موضع تعقیب و اشرار و سارقین را سرکوب نمود. برای آخرین دفعه تذکر داده می شود که اگر [خط خوردگی] پیش آمده سوئی از قبیل تاخت و تاز اشرار یا چپاول اموال مردم بوسیله سارقین محلی یا خارجی [خط خوردگی] پیش امد کلیه

تفنگچیان موظفند بدون فوت وقت با کمک مأمورین ژاندارمری از موضع تعقیب و تا آخرین حد ممکن دفاع لازم را به نمائید. چنانچه شنیده شد که در موقع وقوع اینگونه پیش آمدها فتور و سستی از اسلحه چیان مشاهده شد علاوه بر اینکه شما مسئول [خط خوردگی] و مورد باز خواست واقع خواهید شد اسلحه مربوطه از کسیکه سرپیچی نموده گرفته و بدیگری که صلاحیت داشته باشد داده خواهد شد.

رونوشت بالا جهت اطلاع تفنگچیان محلی فرستاده می شود که دستور فوق را نصب العین قرار داده و در مواقع لزوم با مأمورین ژاندارمری کمک نمایند.

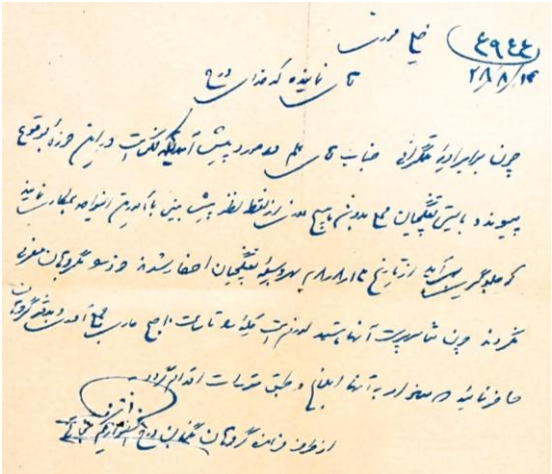

سند شماره ٦: مشارکت تفنگچیان در رویدادهای مرزی

۴۹۴۴

۲۸/۸/۱۴

خیلی فوری

آقای نماینده کدخدای درح

چون برابر امریه تلگرام جناب آقای علم در مورد پیش آمدی که ممکن است در این حوزه به وقوع بپیوندد بایستی تفنگچیان محل بدون هیچ عذری از نقطه نظر پیش‌بینی با مامورین این واحد همکاری نمایند که جلوگیری به عمل آید. از تاریخ ۲۸/۸/۱۳ به هر وسیله تفنگچیان احضار شوند خود را به گروهان معرفی نکردند چون شما سرپرست آنها هستید لازم است کلیه را تا ساعت ۱۰ صبح جاری جمع آوری و به دفتر گروهان حاضر نمایید که مفاد امر به آنها ابلاغ و طبق مقررات اقدام گردد.

از طرف فرمانده گروهان نگهبان درح استور یکم نجاتی

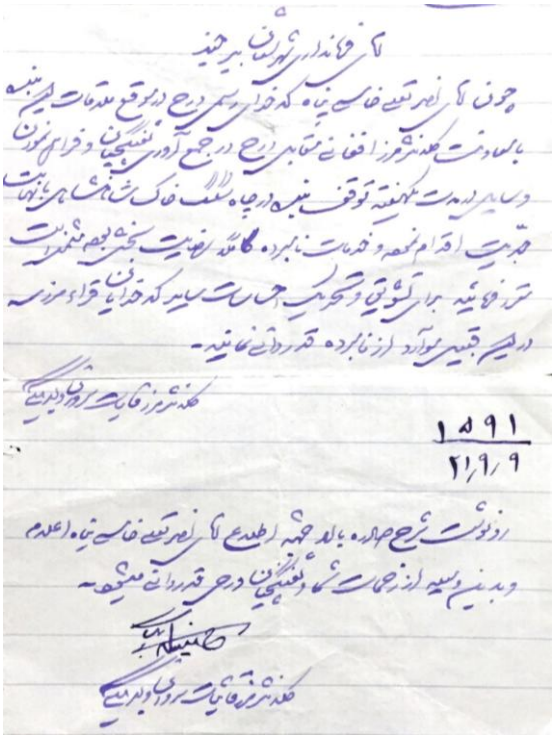

سند شماره ۷: سند مربوط به فعالیت مؤثر تفنگچیان محلی

آقای فرمانداری شهرستان بیرجند

چون آقای نصرت علی خامس پناه کدخدای رسمی درح در موقع ملاقات این بنده با معاونت کلانتر مرز افغان مقابل درح در جمع آوری تفنگچیان و فراهم نمودن وسایل در مدت یک هفته توقف بنده در چاه سگک [اسم محلی در اطراف درح] خاک شاهنشاهی با نهایت جدیت اقدام نموده و خدمات نامبرده کاملاً رضایت بخش بوده متمنی است مقرر فرمایید برای تشویق و تحریک احساسات سایر کدخدایان قراء مرزی در این قبیل موارد از نامبرده قدردانی نمایید.

کلانتر مرز قایینات سروان ولدبیگی

۱۸۹۱

۲۱/۹/۹

رونوشت شرح صادربالا جهت اطلاع آقای نصرتعلی خامس‌پناه اعلام و بدین وسیله از زحمات شما و تفنگچیان درحی قدردانی

می‌شود.

کلانتر مرز قایینات سروان ولد بیگی

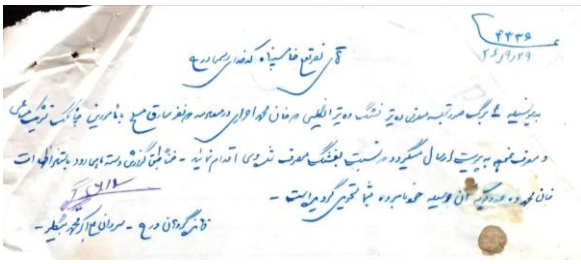

سند شماره ۸: چگونگی تأمین مهمات مورد نیاز تفنگچیان

آقای نصرت‌علی خامس‌پناه، کدخدای رسمی درح

بدین وسیله ۴ برگ صورت‌جلسه مصرفی ۱۰ تیر فشنگ ده تیر انگلیسی که خان محمد احراری در مصادمه دو نفر سارق مسلح با مأمورین چاه سگک تشریک مساعی نموده، به پیوست ارسال می‌گردد که نسبت به فشنگ مصرف شده اقدام نمایید. ضمناً طبق گزارش دسته ی ماهیرود به استناد خان محمد، ده عدد پوکه آن وسیله خود نامبرده به شما تحویل گردیده است.

فرمانده گروهان درح- سروان علی اکبر محمد بیگی

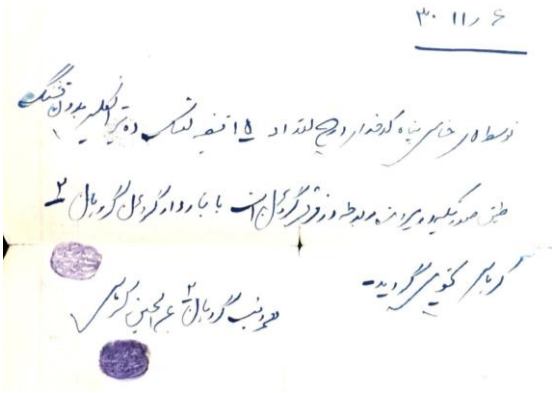

سند شماره ۱۰: رسید تحویل شده از سوی گروهان دُرُح به منظور اعلام تحویل سلاح تفنگچیان محلی

۳۰/۱۱/۶

توسط آقای خامس‌پناه کدخدای درح تعداد ۱۵ قبضه تفنگ ده‌تیر انگلیسی بدون فشنگ طبق صورتیکه در پرونده مربوطه در مرکز گروهان است به انباردار گردان گروهبان ۲ کرباسی تحویل گردید.

[ناخوانا] گروهبان ۲ عبدالحسین کرباسی

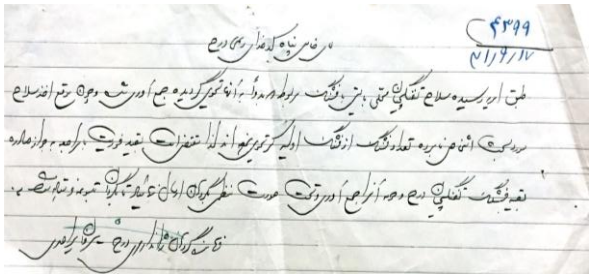

سند شماره ۹: فرمان تحویل سلاح تفنگچیان محلی

آقای خامس پناه کدخدای رسمی درح

طبق امریه رسیده سلاح تفنگچیان محلی بایستی با فشنگ مربوطه که بدواً به آنها تحویل گردیده، جمع‌آوری شده و چون موقع اخذ سلاح مورد بحث اشخاص نامبرده تعداد فشنگ از فشنگ اولیه کسر تحویل نموده‌اند، لذا مقتضی است بقید فوریت با مراجعه به جواز صادره بقیه فشنگ تفنگچیان درح و حومه آن را جمع‌آوری و تحت صورت منظمی به گروهان ارسال نمایید تا به گردان متبوعه فرستاده شود.

فرمانده گروهان ژاندارمری درح- سروان امیر احمدی

تصاویر

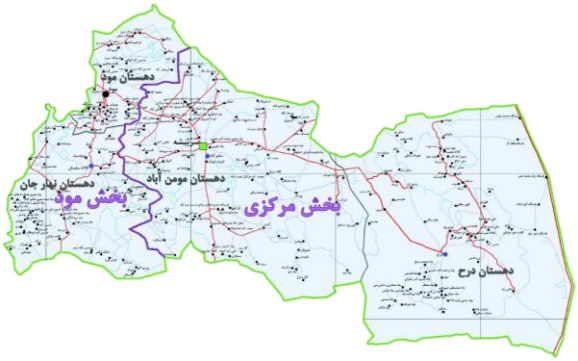

نقشه ۱: **موقعیت جغرافیای خراسان جنوبی در همسایگی افغانستان (ویکی‌پدیا)، تقسیمات کشوری در استان خراسان جنوبی و محل قرارگیری بخش دُرُح در شهرستان سربیشه (وب‌سایت اداره میراث فرهنگی خراسان جنوبی)**

تصویر ۲: نمایی از بقایای قلعه دُرُح بر فراز کوه

تصویر ۳. نمایی از دالان‌های تودرتو که بخش‌های مختلف درح را به یکدیگر متصل کرده و تا پای قلعه مشرف به روستا ادامه پیدا می‌کند.

منابع

آشوری، داریوش (۱۳۶۶). *دانشنامه سیاسی*. تهران: نشر مروارید.

آقابخشی، علی؛ افشاری، مینو (۱۳۸۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.

آیتی، حاج شیخ محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

اتحادیه، منصوره (۱۳۸۰). *انفصال هرات*. تهران: کتاب سیامک.

احمدزاده، محمدامیر (۱۳۹۳). *بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصرقاجاریه*. فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی سال ۱، شماره ۱، ص ۴۵-۷۴.

احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۴). *جغرافیای شهرستان بیرجند*. مشهد: آستان قدس.

تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعرای بهار، تهران: پدیده خاور. ۱۳۶۶.

جوینی، عطاملک (۱۳۸۷). *تاریخ جهانگشای جوینی*. نگارش منصور ثروت. تهران: امیرکبیر.

حموی، یاقوت (۱۳۶۹). معجم *البلدان*. ترجمه علینقی منزوی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

رفیعی، حسن رضا (۱۳۹۱). *راهبانی در ایران*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۸). *فرهنگ جغرافیای آبادی‌های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان سربیشه*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). *تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی*. تهران: آشیان.

کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امورخارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. به کوشش: احمد بشیری تهران: نشر نو. ۱۳۶۲.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۶). *نزهۀ القلوب*. تصحیح گای لسترنج، تهران: طهوری.

منصف، محمدعلی (۱۳۵۵). *امیر شوکت‌الملک علم (امیرقائن)*. تهران: امیرکبیر.

نصری، قدیر (۱۳۹۰). *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مولفه‌ها و نظریه‌ها)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۹، ترجمه: محمود رفیعی تهران: هیرمند. ۱۳۹۴.

یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال های ۱۹۱۹-۱۹۱۷، ترجمه: محمود فاضل بیرجندی. تهران: نشر هیرمند. ۱۳۹۲.

سند

اسناد شخصی نصرت‌علی خامس‌پناه کدخدای منطقه دُرُح در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۱ش؛ ۱۰ برگ.

خاطرات و مصاحبه شفاهی

کربلایی غلام کریمی. مصاحبه شخصی. سال ۱۳۵۵. مکان روستای ده توت از توابع لانو.

کربلایی علی حسن رمضانی. مصاحبه شخصی. سال ۱۳۵۵. مکان روستای دُرُح.

حاج احمد خوشکارزاده. مصاحبه شخصی. سال ۱۳۵۵. مکان روستای دُرُح.